

۲۰۰۹/۸/۱۳

حکیم نعیم

## کرزی، بیلیند چند هزار یورویی اش و عوام فریبی کاذب قدرت

یکی از مهمترین روش لیبرال استعمار نو ایجاد یک سیستم فکری تبلیغاتی برخاسته و کنترل شده توسط مرکز قدرت و عناصر معین که در مدار قدرت قرار دارد، میباشد. یکی از طرق ایکه از آن در ساختن این سیستم استفاده میشود، همانا تولید یک توافق نظر تحمیل شده از طرف مراجع قدرت برای کنترل و شکل دهی افکار عامه است. والتر لیپمن یکی از تیوریسن های این روش استعماری به این باور بود که افکار عامه را باید توسط یک قشر به ظاهر نخبه که او آنها را "مسئولین" میخواند، ایجاد کرد، شکل داد، و کنترل کرد. لیپمن به این عقیده بود که توده ها در حقیقت نمیدانند که چی میخواهند و چی هم به نفع شان است، آنها باید بمثابة افشار غیر فعال، مطیع و تسلیم پذیر آنچه را که نمایندگان قدرت برایشان میگویند، قبول کنند و مطابق آن هم عمل کنند. (۱)

امروز ادامه دهندگان این روش استعماری مخصوصاً در کشورهای جهان جنوب، نهاد های پالیسی ساز قدرت مانند مؤسسه راند و میدیای تجاری وابسته به قدرت میباشد. بطور مثال ماه ها قبل از انتخابات افغانستان، کرزی، عبدالله و اشرف غنی بمثابة "کاندید های مطرح" برای مردم ما شناختانده شدند. هر چند هیچ دلیلی وجود نداشت و نمیدانم که از کجا میدانستند که این سه "کاندیدان مطرح" هستند. در حالیکه حتی در نظرسنجی های پنتاگون هم داکتر بشر دوست از اشرف غنی رای بالا داشت و دارد. دقیقاً مثال بالا نشان میدهد که وابستگی غیر قابل انکار عبدالله، کرزی، و اشرف غنی با اهرام قدرت جهانی، ایجاد و پیش برد یک توافق نظر فکری و تبلیغاتی را به نفع این سه کاندید لازم و ضروری ساخته بود.

والتر لیپمن به این عقیده بود که برای کنترل و شکل دهی افکار عامه از هر روش ممکن باید استفاده کرد. زیرا، به نظر لیپمن توده ها نمیدانند که منافع شان چیست، بناً، مخالفت با آنچه که مراجع و نمایندگان قدرت میگویند، غیر قابل قبول و غیر ممکن باید باشد.

زمانیکه این روش توسط نمایندگان بومی قدرت در کشورهای مانند افغانستان استفاده میشود، شکل بسیار مضحک و عامیانه به خود میگیرد و به دروغ گویی، عوام فریبی کذب و توهین به مردم تبدیل میشود. بطور مثال کرزی، عبدالله، و اشرف غنی میدانند که نمایندگان قدرت بیرونی هستند و در پروسه بعد از انتخابات سهم خواهند بود، بناً غیر قابل رد بودن آنچه را که میگویند در اصل پذیرفته اند، در این صورت چشم ها را می بندند و هرچه دل تنگ شان خواست میگویند. مثلاً، اشرف غنی کسی که وال ستریت ژورنال برایش کمپاین میکند و در کشوری که تماماً اشغال شده است، میگوید که "اگر رئیس جمهور شود، زندان بگرام را خواهد بست" (۲). جالب است که کسی هم نیست که برایش بگوید که آقای غنی، ما از خیر بسته کردن زندان بگرام گذشتیم، وقتی که بخیر رئیس جمهور شدید (!) اگر می توانستید کافی است که برای ما بگوئید که در زندان بگرام چی میگذرد. در کشوری که نمیتواند مرز هایش را کنترل کند، اینکه به ظاهر زمامدارانش نمیدانند که هواپیما های "کشور های دوست" چه میبرند و چه می آورند، سی ای ای مانع استعفای رئیس جمهورش (!) میشود (۳)، با تقلید از اوباما، ایجاد تصویرهای تبلیغاتی ذهنی به جز از عوام فریبی و منشاء گرفته از قدرت بیرونی، چیز دیگری نیست. و یا اینکه کرزی میگوید که تنها تمام دارایش ده هزار یورو است و باور دارد که مردم هم آنچه میگویند قبول می کنند، خود چیزی به جز از توهین به مردم ما نیست.



نگارنده در جریان یک پژوهش دانشگاهی در مورد رسانه های ترکی، به یک خبر بسیار کوتاه ولی درد انگیز برخوردیم که در این اواخر در روزنامه حریت یکی از پر تیراژ ترین روزنامه های ترکیه به چاپ رسیده بود. هر چند این خبر شاید هم میتواند خیلی ها معمولی و طبعی باشد، ولی عمق ارزش انسانی زمامداران امروز افغانستان را نشان میدهد. در این خبر (۳) که به تاریخ ۲۷ جولای ۲۰۰۹، درست دو هفته قبل، در روزنامه حریت به چاپ رسیده، آمده است که حامد کرزی رئیس جمهور افغانستان بوسیله یک شرکت که در انقره اموال تزیینی میفروشد، از یک شرکت دیگری که در شهر انتالیای ترکیه برای ثروتمندان عرب و اروپایی بیلپارد میسازد، یک تخته بیلپاردی را که با سنگ های قیمتی مزین شده است، خریده است. هر چند قیمت دقیق بیلپاردی را که آقای کرزی خریده است، در خبر نیامده، ولی گفته شده است که قیمت یک تخته بیلپاردی که با سنگ های قیمتی مزین شده باشد، از ۶۵۰۰ (شش هزار و پنصد) یورو شروع میشود.

طبعاً آقای کرزی و یا هر شخص دیگر میتواند آنچه را که خوش دارد بخرد، ولی زمانی که میگوید تمام دارائی اش ده هزار یورو است و روز بعدش بیلپاردی چند هزار یورویی میخرد، این خود نشانه آشکار از درک مضحک این روش استعماری که، توده ها نادان اند و آنچه را که مرجع قدرت میگوید غیر قابل رد است و قبول میشود، میباشد. پایان

رویکرد ها:

(۱) Chomsky, Noam. Media Control. Seven stories press: New York, ۲۰۰۲.

(۲) خبر گزاری فارس. ۱۹ اسد ۱۳۸۸.

(۳) Rubin, Elizabeth. Karzai in His Labyrinth. New York Times. August ۵, ۲۰۰۹.

(۴) Hurriyet Gazetesi, July ۲۷, ۲۰۰۹.

<<http://www.hurriyet.com.tr/ekonomi/۱۲۱۵۹۰۳۵.asp?gid=۰&srid=۰&oid=۰&l=۱>>